

گرامی باد روز جهانی کارگر!



امسال کارگران ایران در شرایطی به پیشواز روز جهانی خود می‌روند که به دلیل رشد و گسترش مبارزات کارگری در سراسر ایران، طبقه کارگر ما با همراهی متحدینش در میان دیگر اقشار و طبقات خلق، یک سال پر بار و مملو از تجربه‌های گرانقدر و باشکوه را از سرگذراندند. کارگران ایران که از دیرباز در جریان مبارزه برای تحقق خواسته‌های اقتصادی خود الزاماً با سد دیکتاتوری مواجه بوده و جز با نوعی از مبارزه با دولت و حتی مقابله با نیروهای مسلح آن قادر به تداوم و پیشبرد مبارزات خود نبوده‌اند، در سال گذشته، بر بار تجارب مبارزاتی خود توشه‌های دیگری افزودند. در سال گذشته نیز ما با مبارزات کارگری ای مواجه بودیم که نه یک سرمایه‌دار یا به زبانی دیگر کارفرمای منفرد این یا آن کارخانه و واحد تولیدی، بلکه مستقیماً دولت را آماج قرار داده و با آن درگیر شدند. بیان این واقعیت در یک فرم تئوریک این است که کارگران ایران به دلیل سلطه یک دیکتاتوری شدیداً و وسیعاً قهرآمیز در کشور که خود حاصل سلطه امپریالیسم بر جامعه ما و حاکمیت سیستم سرمایه‌داری وابسته بر آن است، با دست زدن به مبارزه اقتصادی علیه سرمایه‌دار یا کارفرمای مربوطه شان خیلی زود مجبور به مبارزه سیاسی با حاکمیت (در ترم مارکسیستی، با دولت) می‌گردند که با اعمال دیکتاتوری علیه کارگران و به نفع سرمایه‌داران در مقابل آنان می‌ایستد. به عبارت دیگر به دلیل سلطه دیکتاتوری امپریالیستی در ایران، مبارزات اقتصادی کارگران خیلی زود به مبارزه سیاسی تبدیل می‌شود و در این پروسه نیز به دلیل مواجهه با سرکوب حکومتی، مبارزه سیاسی آنان، کار را به درگیری قهرآمیز با حکومت می‌کشاند. در سالی که گذشت مبارزات کارگران ما در اقصی نقاط ایران از اراک و اصفهان و تبریز گرفته تا زنجان و خوزستان و... به واقع در سراسر ایران جلوه‌هایی از این خصوصیت مبارزه کارگری در ایران را به نمایش گذاردند. کارگران در سال گذشته علیرغم شرایط سرکوب و دیکتاتوری و مشخصاً اربعاب، بگپر و بند و شلاق و زندان، با دست زدن به فداکاری‌های قابل ستایش، در تجمعات خود و با حضور در کف خیابان، چه از طریق شعارهای به جا و قابل تعمق خود و چه با ابزار نظر و سخنرانی‌های شجاعانه خویش با همه خود سانسوری، سطح بالائی از آگاهی سیاسی و طبقاتی خود را در معرض دید و قضاوت همگان قرار دادند. در جریان این مبارزات، کارگران پیشرو ایران به خصوص در مراکز چون واحد‌های تولیدی اراک و فولاد اهواز و هفت تپه که تعداد کارگران در آنها زیاد و چشمگیر می‌باشد، نشان دادند که کارگران آگاه و شجاعی هستند که حتی بیشتر از روشنفکرانی که بدون توجه به تفاوت شرایط دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر ایران توصیه بردن آگاهی سیاسی به میان کارگران از طریق مبارزه مسالمت‌آمیز را می‌کنند، واقعیت‌های جامعه ایران را شناخته و از آگاهی طبقاتی و سیاسی چشمگیری برخوردار می‌باشند. در چنین شرایطی است که رژیم دیکتاتور حاکم امکان برگزاری مراسم اول ماه مه که روز نمایش رزم خستگی‌ناپذیر کارگران و اتحاد مبارزاتی آنان علیه سرمایه‌داران در سراسر جهان می‌باشد را به کارگران ایران نمی‌دهد. چرا که می‌داند که کارگران آگاه ما، نه فقط قادر به بیان دردها و مشکلات سر راه خود آنهم با زبانی ساده و قابل فهم برای همه کارگران و زحمتکشان می‌باشند، بلکه می‌توانند چه بسا مبارزه برای رسیدن به خواسته‌های خود را به گونه‌ای پیش ببرند که حتی در شرایط دیکتاتوری حاکم، حاصلش تربیت هزاران کارگر جوان مبارز علیه سرمایه‌داران و رژیم حاکم باشد. این که امسال رژیم با توسل به چه حيله‌گری‌ها و تاکتیک‌هایی از برپائی آزادانه مراسم‌های اول ماه مه توسط خود کارگران جلوگیری خواهد کرد را بزودی خواهیم دید، ولی مسلم است که کارگران مبارز ایران، همچون سال‌های گذشته به ابتکار خود این روز را گرامی خواهند داشت. همچنین، امسال در شرایطی روز جهانی کارگران فرا می‌رسد که در حالی که به دلیل مناسبات ظالمانه سرمایه‌داری حاکم بر کشور، کارگران در فقر و فلاکت غوطه‌ورند، بخش بزرگی از کشور را سیل فراگرفته است؛

سیلی مرگبار که خانه و زندگی بخش هایی از مردم ستمدیده و بویژه محرومترین اقشار را با خود برده و فقر و فلاکت رنجبران را دو چندان نموده است. البته سیل به عنوان یک بلا طبیعی، در شرایطی در جامعه ما به مصیبت بزرگ و فاجعه ای دردناک تبدیل گشته که ساختارهای غیرعلمی و غیر مجاز ناشی از حرص و آز سرمایه داران از یک طرف و عدم پذیرش هیچگونه مسئولیتی از طرف رژیم حامی آنها (جمهوری اسلامی) از طرف دیگر در کمک رسانی به مردم سیل زده، ابعاد فاجعه باری به آن داده است. مردم سیل زده این واقعیات را در جلوی دوربین ها فریاد می زنند و به خصوص در حالی که از کمک های مردمی ابراز امتنان می نمایند به صراحت مطرح می کنند که هیچ کمکی از طرف دولت به آنها نرسیده است. آنها حتی با شجاعت در مقابل یک مقام دولتی با محافظین مسلحش ایستاده و با زبان بی زبانی از این که جمهوری اسلامی ثروت های جامعه ایران را صرف پیشبرد سیاست های میلیتاریستی آمریکا و دیگر امپریالیستها در سوریه و غیره می کند، او را مورد بازخواست قرار می دهند و می گویند که چرا می توانید برای سوریه خرج کنید ولی کمکی حتی به مردم سیل زده نمی کنید! در همین راستا، توده های خشمگین سیل زده، مقامات جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح آنان - که به قول خود مردم صرفاً جهت نمایش، در مناطق سیل زده حضور می یابند - را با جسارت و شجاعت تمام با سنگ و چوب و حتی اسلحه مورد حمله قرار داده و آنها را از محل خود می رانند. این واقعیت به تنهایی بیانگر اوج خشم و نفرت کارگران و زحمتکشان در این مناطق نسبت به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می باشد. اگر در خیزش دی ماه سال ۱۳۹۶ کارگران و زحمتکشان ایران علناً فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر دادند، امروز نیز این خواست قلبی خود را با ابراز خشم و نفرت نسبت به جمهوری اسلامی - به گونه ای که در شعارها و سخنان و اعمال کارگران و زحمتکشان منعکس می باشد - بیان می کنند. با تکیه بر این واقعیت، کمونیست ها به عنوان پیشروان جامعه باید ضمن تأکید بر ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی، همه تلاش خود را برای نشان دادن راهی که توده ها در آن مسیر می توانند موفق به سرنگونی این رژیم ضد خلقی وابسته به امپریالیسم گردند، مبذول دارند. بنابراین، عدم تأکید بر این ضرورت و به جای نشان دادن راه پاسخگویی به آن صرفاً خواستار جبران خسارت سیل از جمهوری اسلامی شدن و در این زمینه رهنمودهای توهم آمیز دادن به معنی عقب افتادن از توده ها بوده و رهنمودهای غیر واقع بینانه و رفرمیستی می باشند.

در آستانه روز جهانی کارگر به این امر هم اشاره کنیم که مناسفانه در درون جنبش کمونیستی، نیروهائی با ادعای دفاع از کارگران و ایدئولوژی متعلق به این طبقه یعنی مارکسیسم-لنینیسم، در حالی که مدام از ضرورت متشکل شدن طبقه کارگر در ارگان های طبقاتی و توده ای خود سخن می گویند، اما برای این منظور هیچ راه واقع بینانه منطبق بر شرایط جامعه ایران ارائه نمی دهند. واقعیت این است که کارگران در جامعه دیکتاتور زده ایران تنها با به راه افتادن جریان یک مبارزه مسلحانه در جامعه که آغازگر آن باید گروه های سیاسی- نظامی متشکل از کارگران آگاه و روشنفکران متعهد و انقلابی باشند، امکان متشکل شدن پیدا خواهند کرد. چرا که در جریان مبارزه مسلحانه و کشاندن توده ها به این مبارزه است که در سد دیکتاتوری حاکم شکاف ایجاد شده و شرایط برای ارتقای هر چه بیشتر آگاهی سیاسی، و ایجاد ارگان های طبقاتی و توده ای کارگران فراهم می گردد. واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی از همان بدو روی کار آمدن خود جنگی را علیه کارگران و دیگر توده های دربند ایران سازمان داده است. این یک جنگ داخلی است، منتها جنگی نابرابر. باید توازن قوا در این جنگ نابرابر را با اتخاذ تاکتیکها و استراتژی صحیح و منطبق با واقعیت عوض کرد؛ باید این نابرابری را به تدریج به برابری و بعد با بسیج و سازماندهی مسلح توده ها و اعمال رهبری طبقه کارگر بر مبارزات سیاسی و نظامی توده ها به برتری و فائق آمدن به قوای دشمن ارتقاء داد تا بتوان در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی و قطع قطعی هر گونه نفوذ امپریالیسم در ایران به تحقق شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی جامعه نایل آمد.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر گرامی باد!

نابود باد رژیم کارگرسنیز جمهوری اسلامی!

پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

چریکهای فدایی خلق ایران

اول اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۲۱ آوریل ۲۰۱۹